

دریچه

مدعیان جدید اسکار

• هنرآلایین: در فاصله ۱۰ روز به پایان مهلت معرفی فیلم‌های غیرانگلیسی‌زبان به آکادمی علوم و هنرهای سینمایی، تعداد کشورهای متقاضی حضور در جوایز اسکار سال آینده به ۶۵ رسید. درحالی‌که مهلت معرفی فیلم‌ها به بخش فیلم بلند بین‌المللی جوایز اسکار ۲۰۲۱ اول دسامبر ۲۰۲۰ (۱۱ آذر ۱۳۹۹) به پایان می‌رسد، در چند روز گذشته ۱۲ کشور دیگر وارد رقابت شدند تا تعداد مدعیان به ۶۵ برسد. تونس روز جمعه «مردی که پوست خود را فروخت» (The Man Who Sold His Skin) به کارگردانی کوثر بن‌هنیه را به نمایندگی از خود برای رقابت در بخش اسکار فیلم بلند بین‌المللی معرفی کرد.

دی لیان، مونیکا بلوچی، کوئن دی‌یو و دارینا الجنیدی از بازیگران «مردی که پوست خود را فروخت» هستند که تولید مشترک تونس، فرانسه، آلمان، بلژیک و سوئد است.

قرقیزستان با «ودین به سمت آسمان» (Run-ning to the Sky) ساخته میرلان عبدالیکوف شانس خود را در جوایز اسکار سال آینده امتحان می‌کند، داستان درباره یکشکن پسرچپ‌ای ۱۲ساله است که یک دوندۀ استثنائی است. او بچای تهناست که در مدرسه فقط با یک دختر دوست است و دوستان پدرش را او حمایت می‌کنند. آنها یکشکن را تشویق می‌کنند در یک مسابقه بزرگ که می‌تواند زندگی‌اش را بهتر کند، شرکت کند. «ودین به سمت آسمان» سال گذشته در جشنواره بین‌المللی فیلم پوسان در بخش جریان‌های تازه نمایش داده شد و جایزه فیپری را برد و به چند جشنواره دیگر نیز روی پرده رفت. فیلم مستند نواز «مامور نفوذی» (The Moral Agent) به کارگردانی مایته آل‌بردی درباره یک جاسوس در یک خانه سالمندان نماینده شیلی در جوایز اسکار ۹۳ خواهد بود.

آلبردی برای ساخت «مامور نفوذی» چیزی حدود ۳۰۰ دقیقه فیلم گرفت و درنهایت این تصاویر در قالب فیلمی ۹۰دقیقه‌ای به کار برد.

برزیل هم با یک فیلم مستند شانس خود را در جوایز اسکار امتحان می‌کند. «بابنکسو: بگو من کی می‌میرم» (Babenco: Tell Me When I Die) اولین فیلم مستند کارنامه باربرا یا پارا بازیگر، کارگردان و تهیه‌کننده ۴۶ساله برزیلی نماینده این کشور در بخش فیلم بلند بین‌المللی خواهد بود.

«فراموش می‌شویم» (Forgotten Well Be) به کارگردانی فرناندو تروئیا کارگردان، فیلم‌نامه‌نویس و تهیه‌کننده اسپانیایی برنده اسکار به نمایندگی از کلمبیا در جوایز اسکار رقابت می‌کند. این فیلم امسال در جشنواره بین‌المللی فیلم سن‌سباستین به نمایش درآمد. تروئیا فیلم‌نامه «فراموش می‌شویم» را از روی رمانی به همین نام نوشته هکتور آباد فاسیولینسه نویسنده معروف کلمبیایی و پسر هکتور آباد گومز اقتباس کرد.

دانمارک یکی از موفق‌ترین کشورها در جوایز اسکار است. این کشور از ۱۹۵۶ تا سال گذشته ۵۷ فیلم به آکادمی معرفی کرد و تاکنون سه بار برای فیلم‌ها «صیافت بابت» (۱۹۵۶)، «پله فاتح» (۱۹۸۸) و «یک دنیای بهتر» (۲۰۱۰) برنده جایزه اسکار فیلم بلند بین‌المللی شده و ۹ بار دیگر هم شانس دریافت این جایزه را داشته است. دانمارک آخرین بار با «سرزمین مین» (۲۰۱۶) ساخته مارتین ساندنیت نامزد اسکار بهترین فیلم بلند بین‌المللی شد. دانمارک دو سال پیش «گناهکار» (۲۰۱۸) به کارگردانی گوستاو مولر را به اسکار فرستاد که هرچند به فهرست کوتاه نامزد‌های بخش فیلم بلند بین‌المللی راه پیدا کرد، اما درنهایت نامزد نشد.

«حالت جنون» (A State of Madness) ساخته لتسیا توتوش نماینده جمهوری دومینیکن در بخش فیلم بلند بین‌المللی است. «حالت جنون» ژانویه امسال در جمهوری دومینیکن اکران شد و قرار بود در جشنواره‌های سینمایی مختلف روی پرده برود که به شیوع ویروس کرونا برنامه‌های سازندگان فیلم را به هم زد. فیلم زندگی‌نامه‌ای «تووه» (Tove) به کارگردانی سایدا ویروپوت به نمایندگی از فنلاند در جوایز اسکار سال آینده رقابت می‌کند.

«ما دو نفر» (Two of Us) اولین فیلم بلند داستانی فلیپو مَنِه‌گَتی نماینده فرانسه در اسکار خواهد بود. این فیلم از میان یک فهرست کوتاه شامل پنج فیلم انتخاب شد. چهار فیلم دیگر «تابستان ۸۵» فرانسوا اوزورن، «دی‌ان‌ای» مایون، «گاگارین» فانی لیانار و ژرمی تویی و «Cuties» میمونا دوکوره بودند. اردن فیلم ۲۰۰۰ متره، (۲۰۰ Meters) به کارگردانی امین نایفه را به نمایندگی از خود به آکادمی اسکار معرفی کرد. درام تاریخی «بوران روح» (Blizzard of Souls) ساخته ریئتارس دیریس‌ک نماینده لتونی در بخش فیلم بلند بین‌المللی است. این فیلم از هشتم نوامبر در لتونی اکران شد و اولین نمایش بین‌المللی آن در بازار فیلم اروپا ۲۰۲۰ بود. در پنج هفته اول اکران «بوران روح» در لتونی بیش از ۲۰ هزار نفر آن را دیدند که این بیشترین تعداد تماشاگر یک فیلم از زمان استقلال لتونی است. «بوران روح» با اقتباس از رمانی به همین نام نوشته الکساندرس گرینس ساخته شده که در دوران خدمت خود به‌عنوان یک تفنگ‌دار در جنگ جهانی اول نوشت. فهرست کوتاه نامزدهای بخش فیلم بین‌المللی شامل ۱۰ فیلم، ۹ فوریه ۲۰۲۱ (۲۱ بهمن ۱۳۹۹) اعلام می‌شود. اسامی پنج نامزد نهایی این بخش ۱۵ مارس ۲۰۲۱ (۲۵ اسفند ۱۳۹۹) همراه با نامزدهای دیگر بخش‌ها اعلام خواهد شد.

محمدعلی بهمنی: «غزل-ترانه» شاید دارویی باشد برای درمان ترانه‌های بیماران، که سالیانی است دارد فرزندان‌مان را معتاد خود می‌کند و... شاید بخشی از خودمان هم. آلبوم «اینکه دلتنگ توام»، عاشقانه‌های مهدی مظاهری عزیز با صدای دلنواز سالار عقیلی و آهنگ‌های پیمان خازنی و نسیم شاملو، به کوشش شرکت آوای باربد، رویش دوباره‌ای است برای امروز ما و فردای فرزندان ما.

۱- «عشق بازیچه تماشاشد»: اگر این آلبوم را تا این لحظه نشنیده‌اید پیشنهاد می‌کنم در این روزهای کرونایی، این ریزتوار ایرانی را با شنیدن این موسیقی آغاز کنید که موسیقی آن اثر پیمان خازنی و شعرش از مهدی مظاهری است و بر اساس غزلی بنا شده که دارای جنبه‌های بالای موسیقایی و اجتماعی است که به نوعی شاخصه این شاعر جوان محسوب می‌شود و شاید بتوان گفت این قطعه محور زیبایی‌شناسی این مجموعه به حساب می‌آید. این مجموعه آلبوم در تلاش است تا روح زیبایی‌شناسی موسیقی ایرانی را یک بار دیگر برای عاشقانش زنده کند.

انتخاب این اثر در میان این آلبوم به خاطر یکپارچگی آن است که از ابتدا تا انتها از یک مسیر واحد آغاز و پایان می‌یابد و ما با یک ملودی‌پرداز چندانکه و شاید بهتر باشد بگوییم تکه‌تکه به هم متصل‌شده، مواجه نیستیم. پیکره واحد ملودیکی این اثر در حالی اتفاق می‌افتد که هر بیت استقلال معنایی دارد و می‌توانسته موجب گرم‌ای آهنگ ساز شود، ولی معکوس عمل شده است و مؤلف توانسته به‌خوبی به حذف غیرضروری‌ها بپردازد.

موسیقی سوار بر جنبه روایی شعر از عشقی روایت می‌کند که منسجم است و روح واحدی را به سمع مخاطب می‌رساند.

اگر بخوایم کمی سخنگیرانه به فعالیت‌های این سال‌های فعالان این عرصه بپردازیم معبود آثار موسیقایی نمره ممتازی دارند که البته دلیل و چرایی آن، به بحث ما شاید بی‌ارتباط باشد.

شاید سخت‌ترین کار در خلق چنین آثاری، جدا از انتخاب تألیفیه مناسب، انتخاب ضریاهنگ مناسب بر اساس زیبایی‌شناسی درونی شعر است که می‌تواند موجب شنیدنی‌شدن اثر شود. چیزی که کمتر به آن پرداخته می‌شود و شاید به دلیل مانوس نبودن با شعر است، بالاخص در جوان‌تراها.

ممکن است مخاطب این اثر در ابتدا احساس کند با تصنیفی روبه‌روست که بر اساس ترانه‌ای بعدا سروده‌شده تکمیل شده است. شاید دلپش، روانی

به گزارش ستاد خبری ششمین دوره جایزه

شعر احمد شاملو، مراسم نشست خبری داوران و معرفی برگزیدگان مرحله اول این دوره جایزه در پی محدودیت‌های کرونایی، به روال هر سال برگزار نشد و ناگزیر سخنرانی داورها و شعرخوانی برگزیدگان در قالب ویدئوهای از پیش ضبط‌شده روی سایت رسمی این جایزه به نمایش درآمد.

هوشنگ چالنگی از داوران مرحله اول جایزه در ویدئویی درباره تجربه‌اش از داوری در این دوره جایزه گفت: مجموعاً حدود ۱۶۹ کتاب برای بررسی به ما داده شده بود که در طول بیش از ۶۰ تا ۷۰ روز آنها را بررسی کردم. برای بالا بردن دقت کار و اینکه حقی از کسی ضایع نشود، اکثر کتاب‌ها را چند بار خواندم. از این رو انتخابی که داشته‌ام، انتخابی عادلانه و دقیق بوده است. خوشبختانه نتیجه به شکلی بود که دیگر داوران و همکاران عزیز هم به تعدادی از همان کتاب‌هایی که من امتیاز داده بودم، امتیاز بالاتر داده بودند. از میان انتخاب‌های من، سه یا چهار اثر با دیگر داوران مشترک بود. جالب است در دوره‌ای دیگر هم که من داور بودم، باز به همین ترتیب انتخاب‌هایم با یکی از داوران جوان مشترک بود و خوشحال شدم که این مجموعه کار خود را حتی برای بررسی به ما داده شده بود. از آنجا که در طول بیش از ۱۲۰ به جایزه رسید.

او درباره کیفیت کارهای رسیده نیز گفت: در میان مردم، هم مخاطبان شعر بسیارند و هم شاعران. افراد زیادی در این زمینه مطالعه کرده‌اند و به این علت، خوانده‌اخواه تعداد آثاری که از غنا و سطح بالایی برخوردارند قابل توجه است. فکر می‌کنم شماری از مخاطبان شعر تعدادی از کارهایی که به آنها امتیاز بیشتری دادم را می‌پسندند. چراکه این آثار به لحاظ هستی‌نگری، غنای کار و انسانی‌بودن قابل توجه بودند.

این شاعر پیش‌کسوت درباره معیارهای داوری بیان کرد: ما حدود هشت، ۹ سطح بین خودمان مطرح کرده بودیم، از جمله پرداختن به مسائل انسانی، مسائل اجتماعی و تاریخی که به نظر من همه اینها در کار غنایی می‌تواند انعکاس پیدا کند. البته شاعرانگی شعر برای من اهمیت ویژه‌ای دارد، شعر جهان هم این‌گونه است. اگر شعری اجتماعی باشد ولی جنبه‌های شاعرانه آن ضعیف باشد، بی‌فایده است. چیزی که شاعر سطح بالا حتما به سراغش می‌رود. برای بعضی شعر انعکاس وضعیت اجتماعی است حتی اگر به لحاظ شعری اثر ضعیفی باشد. من معتقدم شعر باید هستی‌نگری کلی بشری داشته باشد و این شامل متر و معیارهای اجتماعی هم می‌شود. به همین دلیل است که شعر شاملو در

هنر

نگاهی به آلبوم «اینکه دلتنگ توام...»، عاشقانه‌های مهدی مظاهری با صدای سالار عقیلی

دریچه‌ای به روی موسیقی و چشم‌اندازهای غزل



«شعرملودی» و درهم‌تنیدگی‌شان باشد. چیزی که این روزها مخاطب بیشتر علاقه‌مند است بشوند، اما با سفر به درون این غزل متوجه این می‌شویم که شاعر غزلی را در ابتدا سروده، سپس موسیقی آمده است.

۲- «یوسفی عاشق زلیخا شد»: نگاه تنظیمی این اثر هم ممتاز به نظر می‌آید. ارکسترآسیون در راستای روایت می‌یابد و ما با یک ملودی‌پرداز چندانکه و شاید بهتر یک شب مهتابی پرده برمی‌دارد و مخاطب را به شنیدن یک رمس ایرانی دعوت می‌کند و من مخاطب را کمی به باد «اله دریاچه‌غو»، اثر چایکوفسکی می‌اندازد، اثری که در نوع خود کم‌نظیر است.

۳- در تصنیف «هر که با من نشست»، مهارت استفاده از یک پنج‌نوازی موجب به‌وجودآمدن یک فضای خلوت و شخصی برای مخاطب شده، که البته آهنگ‌ساز این اثر پیش‌تر نیز در خلق چنین آثاری شهره بوده است. فقط ای کاش برای انتخاب نام این اثر کمی بیشتر تأمل می‌شد، چون انتخاب مطلع آثار صرفاً راحت‌ترین کار است!

پس از بررسی «شعرملودی» و ارکسترآسیون این اثر، نیرداختن به اجرای خواننده اثر، سالار عقیلی، کم‌لطفی است. صدای توانایی که در زنده نگه‌داشتن موسیقی ایرانی در ذهن علاقه‌مندان در این سال‌ها سهم بسزایی دارد. به‌ثمررساندن این اثر سختی‌های خود را دارد، چون بدون درک از زیبایی‌شناسی شعر و موسیقی اجرایش بی‌معناتس که البته اجرایشان سزاوار تعریف است.

در زمینه بهره‌گیری از موسیقی ملی ارکسترال ایرانی

اگر پیدایش تصنیف‌سازی معاصر را از زمان مشروطه به بعد بررسی کنیم، می‌بینیم سنگ بنایی بر پایه موسیقی دستگاهی با خاستگاهی اجتماعی-عاشقانه-سیاسی

خیابان یکی از آشناها را می‌بینم و می‌خواهم دوستم را معرفی کنم. می‌گویم آقای فلانی هستند که در ضمن شاعر معاصر هم هستند. در ابتدا ممکن است به‌کاربردن این واژه در مورد آن دوست نوعی حشو باشد، چراکه دوست من در کنار آن فرد ایستاده و نیازی نیست بگویم شاعر معاصر است. اما واقعیت، چیز دیگری است. ممکن است آن دوست وجود داشته باشد و جلوی آن فرد ایستاده باشد، اما ادنیایش هنوز گذشته‌ای باشد که فقط از آن را شنیده و حتی آن را تجربه هم نکرده. وقتی می‌گویم یک نفر شاعر معاصر است یعنی کسی که هنر روزگار خود را درک کرده باشد.

من برای هر کسی که درباره شعر صحبت می‌کند احترام قائلم، چراکه نظر مثبت یا منفی او انگیزه‌ای می‌شود برای اندیشیدن. حرف من بی‌حرمتی به آن کسی نیست که می‌گوید غزل شعر روزگار ما نیست، اما واقعیت این است که غزل دوباره نشان داد می‌تواند فرزند روزگار خودش و همه روزگاران باشد.

درکی که با آن می‌شود غزل متفاوتی گفت ریشه در خود نیما دارد. من در یکی از شعرهایم به این موضوع اشاره دارم و می‌گویم:

جسم غزل است اما روحم همه نیمایی‌ست
در آینه تلقین این چهره تماشا می‌ست
تن خو به قفس دارد جان زاده پرواز است
آن ماهی تنگاب و این ماهی دریایی‌ست...
نیمای بزرگ در گفتارش می‌گوید: من رودخانه‌ای هستم که از هر کجای آن می‌شود رفع تشنگی کرد. فرزندان غزل که هم تهمت تمام‌شدن را پذیرفته بودند و هم رودخانه‌ای مثل نیما در دست داشتند، هوشمندانه با ظرف غزل خود از ایس رودخانه رفع تشنگی کردند و موفق شدند. خیلی از عزیزان برجسته در شعر ما مثل آقای آشتی، نادرپور، مشیری، خوبی، نصرت و... همه غزل‌هایی دارند که برگرفته از همان گفتار نیماست. اما کسی که واقعاً توانست این قضیه را کامل انتقال دهد منوچهر نیستانی بود. به باور من او اولین کسی بود که توانست شرحی بر این چرایی بنویسد. گویی شعرش شرحی بود بر اینکه چرا غزل باید باشد و چرا باید از رودخانه نیما رفع تشنگی کرد. به تشخیص من این کارستان اول‌بار توسط نیستانی انجام شد. «شعرترانه» خوب، موسیقی خوب و صدای خوب، هرگز فراموش‌شدنی و حرف پذیر نیست. به هر تقدیر، من به مهدی مظاهری عزیز و شعرهایش شاید ۱۵ساله باشد که آشنایی دارم. امید که باز هم همراه با شما گوش‌سپار غزل‌های زیبا و «شعرترانه»‌های ماندگارش، چه در شکل کتاب و چه در قالب آلبوم‌های موسیقی و صدا باشیم.

برگزیدگان مر حله اول جایزه شعر شاملو معرفی شدند

احمد شاملو ضمن سپاسگزاری از استقبال و همراهی شاعران و ناشران گرامی به اطلاع می‌رساند از میان آثار ارسال‌شده برای دیرخبرانه این دوره، ۱۶۹ عنوان واجد شرایط شرکت در جایزه بود و مورد داوری قرار گرفت. دبیرخانه جایزه، مؤسسه الف، بامداد و داوران ایسن دوره در نظر گرفته‌اند تا از ایسن پس دو حوزه به جایزه شعر شاملو افزوده شود: «مدایح بی‌صله» برای قدردانی از شاعرانی که به‌رغم کیفیت قابل‌ملاحظه شعرشان و سال‌ها استمرار در کار شاعری، قدری را ندیده‌اند که بشاید، و «هوای تازه» برای معرفی شاعران نوگامی که شعرشان نویدبخش آینده خواهد بود. شاعران این دو حوزه، هر سال در مرحله نخست انتخاب و معرفی می‌شوند و جوایزی در مراسم پایانی به ایشان تعلق خواهد گرفت.

منتخبین حوزه «مدایح بی‌صله»:

مجموعه‌شعر از هر از کا، مظاهر شهامت، نشر سیب سرخ.
جنون دارد این دورچه، ایرج ضیایی، نشر سیب سرخ.

منتخبین حوزه «هوای تازه»:

تر از باد، پریناز سعیدی، نشر شانی.
ریشه‌های سنگ، کسرا تبریزی، انتشارات مهر و دل.
هیئت داوران مرحله نخست ششمین دوره جایزه شعر شاملو اسامی کتاب‌های راه‌یافته به مرحله دوم را به شرح زیر اعلام می‌کنند:
۱.اینجا نیروی جاذبه کمتر است، رزا جمالی، انتشارات مهر و دل.
۲. تعطیلات، صادق کریمی، نشر هشت.
۳.تنها برف می‌تواند، رؤیا روزبهانی، انتشارات فصل پنجم.
۴. چرخ‌زدن با دلتنگی، محمدباقر کلاهی‌هری، انتشارات ارادمان.
۵. چرخ کاترین، زهرا زمان، نشر مایا.
۶. خالکوبی پروانه بر آژدها، بهزاد خواجهات، انتشارات فصل پنجم.
۷. خواب موربانه‌ها، یونس گرامی، نشر سیب سرخ.
۸. خونیک، زهرا حیدری، نشر هشت.
۹. شعر بلند شرایط، فرشاد سنبل‌دل، نشر افراز.
۱۰. فتحه، متین عابدی، کتاب فانوس.
۱۱. فریاد مویرگ‌های کف دست، فرشید فرهنگندیا، انتشارات آستنی.
۱۲.کیور در آب‌های سیاه، سیروس نودری، نشر سیب سرخ.
هیئت داوران نخستین مرحله ششمین دوره جایزه شعر احمد شاملو
احمد پوری، علی ثباتی، هوشنگ چالنگی.

فکر می‌کنیم شعرشان قدر لازم

را ندیده است و دیگری بخش «هوای تازه» ویژه شاعران می‌شود یا موضوعش می‌تواند جوانی که به طول تاریخ تکرار شود. شعر خواه‌خواه به سمت جامعه‌نگری می‌رود اما این زمینه شعر است و یک شاعر آگاه می‌داند که باید از این بستر به شکلی استفاده کند که جنبه غنا و شاعرانگی آن هم حفظ شود.

در ادامه ویدئوی احمد پوری دیگر داور ایسن جایزه

پخش شد. پوری صحبت‌های خود را این‌گونه آغاز کرد: امسال ششمین سال برگزاری جایزه شعر شاملوست. در این شش سال دست‌اندرکاران جایزه نشیب و فرازهای زیادی داشتند. انتقاداتی شد که به نظر ما بسیار طبیعی است. از بعضی آموختم و سعی کردیم به کار ببریم. برخی از نظرها هم از سر هيجان و بی‌صبری و یک مقدار از سري مهري بود. ولي ما تا امروز از مجموعه کار خود راضي هستيم.

او افزود: اسناد نزدیک به ۱۲۰ به جایزه رسید. کتاب‌های شعری که در سال ۱۳۹۸ به چاپ رسیده بودند، در یک مرحله نسبتاً طولانی توسط سه داور بررسی و نزدیک به ۱۶ کتاب انتخاب شد. درباره معیارهای انتخاب داوران در بیانیه به نکات لازم اشاره شده است. فکر می‌کنم شماری از مخاطبان شعر تعدادی از کارهایی که به آنها امتیاز بیشتری دادم را می‌پسندند. چراکه این آثار به لحاظ هستی‌نگری، غنای کار و انسانی‌بودن قابل توجه بودند.

این شاعر و مترجم افزود: یکی از ویژگی‌هایی که داوری این دوره را با داوری‌های قبلی متفاوت می‌کرد، این بود که ما در جلسه داوران با همفکری دبیر جایزه و بخش و زمینه تازه برای جایزه در نظر گرفتیم، بخش «مدایح بی‌صله» که ویژه شاعرانی است که

هیئت داوران مرحله اول ششمین دوره جایزه شعر



ذهن‌ها و یادها می‌ماند. چراکه

گویی کل رنج بشری را شامل می‌شود یا موضوعش می‌تواند جوانی که به طول تاریخ تکرار شود. شعر خواه‌خواه به سمت جامعه‌نگری می‌رود اما این زمینه شعر است و یک شاعر آگاه می‌داند که باید از این بستر به شکلی استفاده کند که جنبه غنا و شاعرانگی آن هم حفظ شود.

در ادامه ویدئوی احمد پوری دیگر داور ایسن جایزه

پخش شد. پوری صحبت‌های خود را این‌گونه آغاز کرد: امسال ششمین سال برگزاری جایزه شعر شاملوست. در این شش سال دست‌اندرکاران جایزه نشیب و فرازهای زیادی داشتند. انتقاداتی شد که به نظر ما بسیار طبیعی است. از بعضی آموختم و سعی کردیم به کار ببریم. برخی از نظرها هم از سر هيجان و بی‌صبری و یک مقدار از سري مهري بود. ولي ما تا امروز از مجموعه کار خود راضي هستيم.

او افزود: اسناد نزدیک به ۱۲۰ به جایزه رسید. کتاب‌های شعری که در سال ۱۳۹۸ به چاپ رسیده بودند، در یک مرحله نسبتاً طولانی توسط سه داور بررسی و نزدیک به ۱۶ کتاب انتخاب شد. درباره معیارهای انتخاب داوران در بیانیه به نکات لازم اشاره شده است. فکر می‌کنم شماری از مخاطبان شعر تعدادی از کارهایی که به آنها امتیاز بیشتری دادم را می‌پسندند. چراکه این آثار به لحاظ هستی‌نگری، غنای کار و انسانی‌بودن قابل توجه بودند.

این شاعر پیش‌کسوت درباره معیارهای داوری بیان کرد: ما حدود هشت، ۹ سطح بین خودمان مطرح کرده بودیم، از جمله پرداختن به مسائل انسانی، مسائل اجتماعی و تاریخی که به نظر من همه اینها در کار غنایی می‌تواند انعکاس پیدا کند. البته شاعرانگی شعر برای من اهمیت ویژه‌ای دارد، شعر جهان هم این‌گونه است. اگر شعری اجتماعی باشد ولی جنبه‌های شاعرانه آن ضعیف باشد، بی‌فایده است. چیزی که شاعر سطح بالا حتما به سراغش می‌رود. برای بعضی شعر انعکاس وضعیت اجتماعی است حتی اگر به لحاظ شعری اثر ضعیفی باشد. من معتقدم شعر باید هستی‌نگری کلی بشری داشته باشد و این شامل متر و معیارهای اجتماعی هم می‌شود. به همین دلیل است که شعر شاملو در

زیر آسمان فیروزه‌ای

متولد ۱۷۷۰

• غزله صدر منوچهری: لودویگ فَن بتهوون، گئورگ ویلهلم فردریش هگل و فردریش هولدرلین در سال ۱۷۷۰ میلادی در آلمان به دنیا آمدند. استادی و توانایی بتهوون در بیان موسیقی، تأثیر بزرگ هگل بر تفکر، شعرهای آمیخته با فلسفه هولدرلین، این سه نابغه آلمانی را در سطح جهانی مطرح کرد. نشست هفتگی شهر کتاب به بزرگداشت دیوست‌وینچاهمین سال تولد این سه نابغه اختصاص داشت و با سخنرانی سیدمسعود حسینی، محمود حدادی، مانی پارسا و پیمان یزدانیان به صورت مجازی برگزار شد. سیدمسعود حسینی در بخشی از سخنان خود اظهار کرد: دریا، درباره ارتباط هگل با هولدرلین و بتهوون باید گفت که او در دوره جوانی مدتی در دیر تووینگن با هولدرلین هم‌اتاق بوده و هولدرلین در دوره جوانی تأثیر بسیار زیادی بر اندیشه او گذاشته است؛ اما تاجایی‌که می‌دانم، بتهوون و هگل با هم دیداری نزدیک با شخصی نداشته‌اند. با وجود این، در اروپا تأملاتی پیرامون شباهت اندیشه فلسفی هگل و اندیشه موسیقایی بتهوون صورت گرفته است که به وجود نوعی شباهت ذاتی میان نحوه ساخت موسیقی بتهوون و روش فلسفی هگل پرداخته شده است.

او ادامه داد: هنر برای هگل عرصه‌ای است که در آن حقیقت در قالب صور حسی متجلی می‌شود. از نظر او، روش فلسفی و شعر به ترتیب هنرهای مهم‌ترین صور هنر هستند. بعدها هایدگر این دیدگاه را دنبال می‌کند و یکی از فیلسوفانی می‌شود که بزرگ‌ترین تجلیل‌ها را از شعر و موسیقی کرده است؛ اما در اندیشه هگل حقیقت هنری همان حقیقت فلسفی در قالب حس است که بعد در فلسفه و در قالب بحث مفهومی به تجلی حقیقی خود می‌رسد. ولی نزد هایدگر ما با آنحای متفاوت تجلی حقیقت مواجهیم و حقیقت در هنر به‌نحوی جلوهگر می‌شود با حتی آن حقیقتی در هنر جلوهگر می‌شود که در فلسفه امکان جلوه‌گرشدن آن نیست. شلیک این اندیشه را در نظام ایدئالیسم استعلاعی به طریز شک‌همنمد بیان کرد و هایدگر در فلسفه هنر قرن بیستم به آن پرداخت. هگل در «درسگفتارهای زیبایی‌شناسی» درباره موسیقی بحث‌هایی بسیار جذاب، عمیق و فلسفی دارد. هایدگر نیز در «افادات به فلسفه» ساختار موسیقی را برای بیان نظام فلسفه ساختاری مناسب‌تر می‌داند و به جای اخذ نظام از ریاضیات، آن را از موسیقی اخذ می‌کند. گری که پیش‌تر هگل در «دیدارشناسی روح» انجام داده بود؛ بنابراین ارتباط میان هگل، هولدرلین و بتهوون در مقام بزرگان عرصه فلسفه، شعر و موسیقی صرفاً به موجب تولد این سه در یک سال نیست، بلکه ارتباط عمیق فلسفی و ذاتی میان آنها وجود دارد.

مانی پارسا، مؤلف «هگل ایرانی: کتاب‌نگاری و مقاله‌نگاری توصیفی و گاه‌شمارانه مطالعات هگلی به زبان فارسی»، درباره این کتاب اظهار کرد: این کتاب در چهار سرفصل تنظیم شده است. فصل اول به کتاب‌های ترجمه اختصاص دارد، اعم از ترجمه آثار هگل، تک‌نگاری‌ها درباره هگل و آثاری که بخشی از آنها درباره هگل بوده است. فصل دوم مربوط به تالیف‌های فارسی درباره هگل است. بخشی از این فصل، به تالیف‌های تک‌نگارانه و بخش دیگر به گفته‌ها یا نوشته‌ها در اشاره به هگل ذیل بحث‌های کلی‌تر می‌پردازد. فصل سوم به مقالات ترجمه درباره هگل اختصاص دارد و دست‌آخر، فصل چهارم به مقالات تالیفی درباره هگل. مجموع مدخل‌های کتاب ۹۴۴ مدخل است و هر سرفصل به ترتیب تاریخی انتشار مطالب تنظیم شده است.

محمود حدادی اظهار کرد: هولدرلین (۱۷۷۰-۱۸۴۳) زاده جنوب غربی خاک آلمان است. او در خانواده‌ای روحانی و بلندپایه در شهری کوچک در نزدیکی اشتوتگارت متولد شد و در دوران کودکی در فاصله‌ای کوتاه پدر، ناپدری و برادر خود را از دست داد و همواره در خانه با مادری سب‌گووار روبه‌رو بود. او را برای تحصیل به دیر تووینگن فرستاند و در آنجا با هگل هم‌کلاسی بود. اما برخلاف محصلان دیر و اصرار مادر از پوشیدن جامه روحانی و شغل کشیشی پرهیز داشت.

اوادمه داد: هولدرلین در جوانی یک رمان نوشته است که در قالب نامه‌نگاری است. این رمان درباره یک هیبریون، شخصیتی استعلاعی با تعالی‌جو است که می‌خواهد یک بار دیگر تمدن یونان را زنده کند و در جامعه رواج بدهد؛ اما در راه این آرمان شکست می‌خورد و در یونان گوشه‌نشین می‌شود. همچنین، هولدرلین یک نماینده نامه‌تمام‌مانده درباره فیلسوفی پیشاسقراطی به نام امیدوکلس دارد.

پیمان یزدانیان اظهار کرد: ۱۰ساله بودم که وقتی معلم پلانو برای تولدم کتاب «زندگانی بتهوون» رومن رولان را به من هدیه داد و گفت من خواندن این کتاب برای اینکه بتهوون یکی از بزرگ‌ترین آهنگ‌سازان تاریخ بشریت است که شاید کامل‌ترین سونات‌های پیانو را نوشته باشد و آثارش جزء بزرگ‌ترین آثار موسیقی جادوان خواهد ماند و تو به موسیقی علاقه داری و پلانو می‌خوانی، پیشنهاد نمی‌کنم، بلکه از تو خواهش می‌کنم بارها و بارها این کتاب را بخوانی و به بتهوون در جایگاه شخصیتی با انسانی فکر کنی که تاریخ بشریت روی این کره خاکی به خود دیده است. از آن زمان، ۴۰ سال می‌گذرد و من هر بار فرصتی پیش آمده کارهای لودویگ فَن بتهوون را گوش داده‌ام و تألیز و اجرا کرده‌ام، انکار با هر قطعه توانسته‌ام یکی از زوایای روح این مرد بزرگ را قدری بشناسم. انکار هر قطعه دریچه‌ای به واقعیت وجود و شخصیت بزرگی است که ما شاید هیچ‌وقت نتوانیم او را بشناسیم.